

اخلاق تجاری و تجارت اخلاقی

حمید رضانیا شیرازی^۱

چکیده

در دنیای امروز توجه به مسائل اخلاقی در تجارت و به طور کلی در اقتصاد بین‌المللی، اهمیت خارق‌العاده‌ای کسب کرده است. اخلاق تجاری شاخه‌ای از اخلاق کاربردی (عملی) است که اصول اخلاقی و معنوی یا مسائل اخلاقی ناشی از آن را در محیط تجاری یا فضای کسب و کار مورد بررسی قرار می‌دهد. همچنین با توجه به جهانی شدن اقتصاد، توسعه ارتباطات و در نتیجه آن گسترش بازارها، نیاز به رعایت نکات اخلاقی در تجارت بیش از هر زمان دیگر افزایش یافته است. ادیان و بویژه مکتب اسلام با قرائت اهل بیت (ع) تاکید بسزائی در ایجاد بستری اخلاقی به منظور بهتر زیستن و مسانخت با روحیه‌ی کمال‌گرایی انسانی که از اهداف همه‌ی ادیان است بوده‌اند که در آموزه‌ها، منس و تقریر بزرگان دینی بخوبی مشهود است. در واقع بر اساس آموزه‌های اسلامی راهبرد واقعی برای دورنبودن از دنیا و رهبانیت به معنای غلطش و در عین حال از مسیر کمال‌گرایی باز نماندن بهترین راهکار رو آوردن به تجارتی است که در آن اخلاق و بایسته‌های اخلاقی به دقت فراگیرگشته و محقق گردد.

کلید واژه‌ها

اخلاق، تجارت اخلاقی، اخلاق سودگرایانه، اخلاق دینی، اخلاق حرفه‌ای

طرح مسأله

آنچه ما را به ناپودی خواهد کشاند از این قرار است: سیاست بدون اصول، لذت بدون وجدان، علم بدون شخصیت و تجارت بدون اخلاق "مهاتماگاندی
کلام گاندی چهار جهت زندگی امروزی انسان مدرن را، بعدی روانشناسانه و ذهنی داده است که می تواند بیش از هر چیز استواری اصول و مبانی جهان مدرن و توسعه یافته را بر مبنای "منش و شخصیت فردی" انسان نمایان سازد.

تعریف و مفهوم اخلاق

اخلاق یکی از موضوعاتی است که مربوط به فطرت بشری و نیازهای اساسی انسان است هیچگاه کهنه، قدیمی و بی اصالت نمی شود. هرچند گذشته ملت هایی همچون ملت ما همواره توجه به این موضوع را مدنظر داشته است، از آنجایی که برخی پدیده های نوظهور با چهره ای جدید وارد دنیای کسب و کار ما شده اند، لازم است بر جنبه های بشری و به ویژه اخلاقی آنها نیز توجه شود.

در دنیای امروز توجه به مسائل اخلاقی در تجارت و به طور کلی در اقتصاد بین المللی، اهمیت خارق العاده ای کسب کرده است. بررسی های انجام شده نشان داده است که میانگین سود شرکتهایی که رهنمودهای اخلاقی، معیارها و ضوابط شناخته شده اخلاق حرفه ای را رعایت می کنند بالاتر از میانگین سود شرکتهایی است که به این امر مهم کم توجه بوده و از این مزیت رقابتی بی بهره مانده اند.

در انگلیسی واژه اتیکس (ethics) معنی منش و عادت و مورالز (morals) به معنی عادات بجای اخلاق بکار می رود گر چه واژه های مذکور به جای هم دیگر بکار می رود اما در معنای دقیق آن تفاوت هایی با یک دیگر دارند نظام هایی از ارزشها و عاداتهایی (قواعد و استانداردهای رفتاری) که در زندگی گروهی خاصی از انسانها تحقق یافته است به عنوان اخلاق (اتیکس) این گروه توصیف می شود مانند اخلاق خانواده، اخلاق شرکت و اخلاق حرفه ای. اما مورالز شخصیت فردی را تعیین می کند

اخلاق جمع «خُلُق» (بر وزن قفل) و «خُلُق» (بر وزن افق) می باشد، به گفته «راغب» در کتاب «مفردات»، این دو واژه در اصل به یک ریشه باز می گردد، خلق به معنی هیئت و شکل و صورتی است که انسان با چشم می بیند و خلق به معنی قوا و سجایا و صفات درونی است که با چشم دل دیده می شود.

اخلاق مجموعه صفات روحی و باطنی انسان است « و به گفته بعضی از دانشمندان، گاه به بعضی از اعمال و رفتاری که از خلقیات درونی انسان ناشی می شود، نیز اخلاق گفته می شود (اولی اخلاق صفاتی است و دومی اخلاق رفتاری).

از نگاه علامه محمد تقی جعفری، «اخلاق شکفتن شخصیت آدمی در مسیر حیات معقول است».

اخلاق عبارت است از مجموعه ای از اصول و هنجارهایی را جمع به ارزشیابی و داوری درباره افعال انسانی که به صورت ارادی و اختیاری انجام می شود و تشخیص خوبی و بدی آنها و الزامات (بایدها و نبایدها) مسئولیت و وظایف برای انسانها.

«اخلاق» را از طریق آثارش نیز می توان تعریف کرد، و آن این که «گاه فعلی که از انسان سر می زند، شکل مستمری ندارد؛ ولی هنگامی که کاری بطور مستمر از کسی سر می زند (مانند امساک در بذل و بخشش و کمک به دیگران) دلیل بر این است که یک ریشه درونی و باطنی در اعماق جان و روح او دارد، آن ریشه را خلق و اخلاق می نامند.

تعاریف علم اخلاق

علم اخلاق را چنین تعریف کرد: «اخلاق علمی است که از ملکات و صفات خوب و بد و ریشه ها و آثار آن سخن می گوید» و به تعبیر دیگر، «سر چشمه های اکتساب این صفات نیک و راه مبارزه با صفات بد و آثار هر یک را در فرد و جامعه مورد بررسی قرار می دهد». البته همانطور که گفته شد، گاه به آثار عملی و افعال ناشی از این صفات نیز واژه «اخلاق» اطلاق می شود؛ مثلا، اگر کسی پیوسته آثار خشم و عصبانیت نشان می دهد به او می گویند: این اخلاق بدی است، و بالعکس هنگامی که بذل و بخشش می کند می گویند: این اخلاق خوبی است که فلان کس دارد؛ در واقع این دو، علت و معلول یکدیگرند که نام یکی بر دیگری اطلاق می شود.

بعضی از غربی ها نیز علم اخلاق را چنان تعریف کرده اند که از نظر نتیجه با تعریف هایی که ما می کنیم یکسان است، از جمله در کتاب «فلسفه اخلاق» از یکی از فلاسفه غرب به نام «ژکس» می خوانیم که می گوید: «علم اخلاق عبارت است از تحقیق در رفتار آدمی به آن گونه که باید باشد.» (فلسفه اخلاق / ۹)

در حالی که بعضی دیگر که بینشهای متفاوتی دارند (مانند فولکیه) در تعریف علم اخلاق می گوید: «مجموع قوانین رفتار که انسان به واسطه مراعات آن می تواند به هدفش برسد، علم اخلاق است.» (الاخلاق النظریه / ۱۰)

گزاره اخلاقی چه تفاوتی با سایر گزاره ها دارد؟

گزاره اخلاقی گزاره ای است که موضوع این گزاره یا انسان یا حالات نفسانی انسان یا افعال ظاهری انسان و محمول این گزاره یکی از این مفاهیم است؛ مفهوم خوب، بد، مفهوم درست، نادرست، مفهوم باید و نباید اخلاقی، مفهوم وظیفه یا تکلیف، مفهوم مسؤولیت، مفهوم فضیلت و رذیلت. اگر گزاره ای داشته باشیم که موضوعش انسان یا حالات نفسانی انسان یا افعال

ظاهری انسان باشد و یا محمولش یکی از آن مفاهیم باشد که گفتم ما با یک گزاره اخلاقی سروکار داریم. مثلاً وقتی که می‌گوییم راستگویی وظیفه است این یک گزاره اخلاقی است چون یکی از افعال ظاهری انسان موضوع آن و وظیفه محمول آن است. همچنین فلسفه اخلاق یک شاخه از فلسفه است و چون یک شاخه از فلسفه است بنابراین باید دقیقاً تابع روش‌های فلسفی باشد و بنابراین از آن رو که تابع روش‌های فلسفی است آن چه در فلسفه اخلاق گفته می‌شود جنبه عقلی دارد می‌توان در مورد اخلاق سخنانی گفت که جنبه عقلی نداشته باشند ولی آنها دیگر فلسفه اخلاق نیستند مثلاً می‌توان روانشناسی اخلاق داشت اما اینها علوم تجربی هستند. اینها جزو فلسفه اخلاق نیستند فلسفه اخلاق یک علم تجربی نیست یک علم کاملاً عقلی است و یک شاخه از فلسفه است بنابراین هر سخنی در مورد پدیده اخلاق می‌گوییم فلسفه اخلاق نیست و به این حیطة مربوط نمی‌شود وقتی درباره اخلاق فقط سخن عقلی بیان می‌گردد آن وقت وارد فلسفه اخلاق شده‌ایم. آن چه غیر از این بگوییم مربوط می‌شود به سایر شاخه‌های مختلف مرتبط با اخلاق و

چیستی فلسفه اخلاق

فلسفه اخلاق به معنایی به کار می‌رود که می‌تواند سه علم ذیل را در برگیرد. گاهی به مفهوم خاص‌تری به کار می‌رود که شامل فقط دو تا از این سه تا می‌شود و گاهی به معنای باز هم خاص‌تری به کار می‌رود که فقط شامل یکی از این سه تا می‌شود. نخست، علمی است که گاهی از آن تعبیر می‌کنند به اخلاق توصیفی (Descriptive ethics) اخلاق توصیفی اخلاقی است که فقط و فقط بیان می‌کند که - تمدن‌ها و فرهنگ‌ها و ادیان مختلف و مسالک و مکتب‌های مختلف فلسفی اخلاقیشان چیست؟ مثلاً اخلاق بودایی، اخلاق کانتی، اخلاق اسپینوزایی، اخلاق اسلامی، اخلاق ژاپنی. در این گونه موارد ما نظام اخلاقی‌ای را که یک تمدن یا یک فرهنگ یا یک دین یا مذهب، یا یک قوم، یا ملت، یا جامعه دارند، توصیف می‌کنیم. که به آن اخلاق توصیفی نام می‌نهند. این اخلاق صبغه تجربی - تاریخی دارد یعنی اگر در باب تمدن، فرهنگ، دین، مذهب، قوم یا ملت موجودی سخن بگوئید جنبه تجربی می‌یابد و اگر در باب تمدن، فرهنگ، دین یا مذهب، یا قومی و ملتی که در گذشته زندگی می‌کرده‌اند، سخن بگوئید جنبه تاریخی پیدا می‌کند، صبغه تجربی - تاریخی دارد. این بخش البته جزء فلسفه قرار نمی‌گیرد زیرا علمی که جنبه تجربی - تاریخی داشته باشد، فلسفه اخلاق نمی‌تواند باشد.

علم دوم اخلاق دستوری یا اخلاق هنجاری (Ethics normative یا Ethics prescriptive) است در این علم گفته نمی‌شود که در تمدن‌ها یا فرهنگ‌های یا ادیان و مذاهب یا ملل، اقوام و جامعه‌های مختلف نظام‌های اخلاقیشان چه هاست. چه چیزهایی را خوب می‌دانند، چه چیزهایی را بد می‌دانند، چه چیزهایی را درست یا نادرست می‌دانند؟ چه را فضیلت

می‌دانند یا چه چیز را ردیلت می‌دانند. چه را وظیفه و تکلیف و مسؤولیت می‌دانند. کاری به اینها ندارد، خودش می‌آید یک نظام اخلاقی ارایه می‌کند. یعنی مشخص می‌کند که کدام کارها خوب هستند، و کدام ها بد ، درست‌ها و نادرست‌ها ، فضیلت‌ها و ردیلت‌ها . مصداق‌های مختلف این مفاهیم اخلاقی‌ای را ذکر می‌کند. که این موارد اخلاق هنجاری یا اخلاق دستوری یا اخلاق توصیه‌ای را تشکیل می‌دهد.

و بالاخره سوم آن است که گاهی به آن اخلاق تحلیلی (Analytic ethics) می‌گویند یا فرا اخلاق (Meta _ Ethics) فلسفه اخلاق گاهی شامل هر سه علمی که گذشت می‌شود (اخلاق توصیفی ، اخلاق دستوری ، اخلاق تحلیلی یا فرا اخلاق). گاهی فلسفه اخلاق را به اولی اطلاق نمی‌کنند فقط به دومی و سومی اطلاق می‌کنند یعنی به اخلاق هنجاری و اخلاق تحلیلی، و گاهی هم فلسفه اخلاق را فقط به فلسفه تحلیلی یا فرا اخلاق اطلاق می‌کنند. بر همین اساس عنوان فلسفه اخلاق یک معنی بسیار عام دارد. یک معنای مضیق دارد و یک معنای باز هم مضیق تر . دو علم اول به تعبیری فلسفه نیستند. حتی کسانی که فلسفه اخلاق را به معنایی به کار می‌برند که شامل قسمت یک و دو هم بشود باز هم معترفند قسمت عمده فلسفه اخلاق همین قسمت سوم است. قسمت سوم که از آن تعبیر به اخلاق تحلیلی یا فرا اخلاق هم می‌شود، خود دارای سه قسمت است. یکی معناشناسی اخلاق (Moral Semantics) یکی معرفت‌شناسی اخلاق (Moral Epistemology) یکی هم وجود شناسی اخلاق (Moral Ontology). این سه قسمت هر سه مربوط می‌شوند به اخلاق تحلیلی یا فرا اخلاق . قسمت اول معناشناسی اخلاق است. برای اینکه دانسته شود که معناشناسی اخلاق چیست؟ به این نکته باید توجه باید شود که ما معمولاً مثل اینکه می‌دانیم الفاظ و مفاهیم اخلاقی معنایشان چیست. فقط به دنبال مصادیقشان می‌گردیم یعنی همیشه جوری رفتار می‌کنیم که گویا می‌دانیم خوب، بد، درست، نادرست، باید، نباید، وظیفه و تکلیف، مسؤولیت، فضیلت و ردیلت معنایشان چیست و فقط نمی‌دانیم که چه چیزهایی مصداق اینها هستند آن وقت مثلاً می‌پرسیم؛ دروغگویی خوب است یا بد و پاسخ می‌شنویم که بد است. راستگویی خوب است یا بد؟ خوب است . وفای به عهد درست است یا نادرست است؟ درست است. خلف وعده نادرست است. فقط مثل اینکه مشکل ما مشکل مصداق‌های این مفاهیم است ولی گویا فرض براین است که می‌دانیم معنای این الفاظ چیست. یعنی می‌دانیم درست یا نادرست یا فضیلت یا ردیلت یعنی چه. در اخلاق هم فرض می‌گردد که این الفاظی که در اخلاق به کار می‌رود معنایش را می‌دانیم. بعد می‌گوییم مثلاً راستگویی از مصادیق کدام یک از این مفاهیم است؟ دروغگویی از مصادیق کدام مفهوم است؟ حالا اگر کسی گفت نه، معلوم نیست مامعنای این الفاظ را هم بدانیم. آنوقت باید تحلیل معنایی الفاظ اخلاقی را بکنیم. وقتی

وارد تحلیل معنایی الفاظ اخلاقی شدیم وارد معناشناسی اخلاق شده ایم. در این معناشناسی اخلاقی مسأله مهم مخصوصاً این است که آیا الفاظ اخلاقی همان معانی را در اخلاق دارند که وقتی در غیر اخلاق استعمال می‌شوند دارند.

در حقیقت در معرفت‌شناسی اخلاقی بحث بر سر این است که اولاً وقتی ما یک حکم اخلاقی صادر می‌کنیم چگونه می‌توانیم برای این حکم اخلاقی دلیل بیاوریم؟ چون هر کسی در هر علمی، چه اخلاق و چه غیر اخلاق وقتی حکم صادر می‌کند برای این که ما از او بپذیریم مطالبه دلیل می‌کنیم و وقتی مطالبه دلیل می‌کنیم او باید بتواند دلیلی اقامه کند برای این که حکمی که صادر کرده درست است حالا وقتی ما یک حکم اخلاقی صادر می‌کنیم اگر طرف مقابل ما مطالبه دلیلی کرد و گفت به چه دلیلی چنین حکمی صادر کرده‌اید ما باید بتوانیم دلیل اقامه کنیم، دلیل آوری یا به تعبیری توجیه در اخلاق چگونه است؟ (توجیه به معنای معرفت‌شناسی اش یعنی Justification) ما چگونه در اخلاق می‌توانیم احکامی را که صادر می‌کنیم توجیه کنیم یعنی اگر شما گفتید که فرضاً اداء امانت خوب است یا اداء امانت وظیفه هر انسانی، این بحث توجیه اخلاق است و به معرفت‌شناسی اخلاق مربوط می‌شود. همچنین این که ما صدق احکام اخلاقی را از کجا معلوم کنیم. از کجا معلوم کنیم فلان حکم اخلاقی صادق است. این قبیل مباحث مربوط می‌شود به معرفت‌شناسی اخلاقی که یک قسمت از اخلاق تحلیلی است. اما قسمت سوم اخلاق تحلیلی وجودشناسی اخلاقی است. در وجودشناسی اخلاقی بحث بر سر این می‌شود که آیا واقعیت‌های اخلاقی در عالم وجود دارند یا این واقعیت‌ها را ما پدید می‌آوریم. مثل اینکه ببینیم که بین کار یک مخترع با کار یک مکتشف چه فرقی هست؟ مکتشف واقعیتی را که در جهان هستی وجود داشته است ولی دیگران از وجودش بی‌خبر بوده‌اند به اطلاع من و شما می‌رساند. فرق اکتشاف و اختراع در این است که شما در اکتشاف از واقعیت از پیش بوده فقط باخبر می‌شوید، بعد خبر را به گوش دیگران هم می‌رسانید. در اختراع واقعیت نابوده را به وجود می‌آورید. این فرق مخترع و مکتشف و اختراع و اکتشاف است. حال در اصطلاحات فنی به جای اختراع لغت جعل به کار می‌برند و به جای اکتشاف لغت کشف. حالا سؤال این است که آیا واقعیت‌های اخلاقی وجود دارند و ما فقط آنها را کشف می‌کنیم یا نه، اصلاً واقعیت اخلاقی وجود ندارد ما یک سلسله چیزهایی جعل می‌کنیم؛ خودمان آنها را به وجود می‌آوریم. (مثلاً از راه قرارداد).

اخلاقیات (morals & Ethics) :

بطور کلی میتوان اخلاق انسان را بر دو نوع زیر در نظر گرفت :

۱- اخلاق فطری و طبیعی: صفات فطری، غرایز و احساسات و استعدادهایی است که در طبیعت انسان آفریده شده و اختیار و عمل در تحصیل آن هیچ گونه دخالتی ندارد. مانند حس

خداجویی، کنجکاوی، عدالتخواهی و حبّ کمال و ...

۲- اخلاق اکتسابی و اختیاری: صفات اکتسابی آن گونه صفاتی را گویند که در مقام عمل و اختیار به تدریج برای انسان حاصل می‌شود.

اخلاق، معرفتی است که از افعال اختیاری انسان بر اساس یک سیر عقلایی شکل می‌گیرد باید توجه داشت که اخلاق از یک مجموعه اصول و ضوابطی تشکیل می‌شود که دو لایه جدی در آن قابل تمایز است.

قالب اول مربوط به شکل، اصول و ضوابط اخلاقی است و قالب دوم توجه به "روح عمل اخلاقی" و یا دخالت عنصر "معنا" در عمل اخلاقی می‌باشد. در بخش اول می‌توان از کدهای اخلاقی صحبت کرد؛ ولی در بخش دوم امری است که به سادگی تعریف آن امکان‌پذیر نیست و بیشتر قابل بیان با "ایده آل‌های اخلاقی" است نه لزوماً با "کدهای اخلاقی".

اخلاق تجاری

در میان شاخه‌های مختلف اخلاق، اخلاق تجارت شاخه‌ای از اخلاق است که به بررسی مسائل اخلاقی در محیط تجاری می‌پردازد. در حیطه تجارت لزوم پرداختن به مسئله اخلاق به طریقی تجربی و به مرور زمان به اثبات رسیده است؛ به گونه‌ای که تجار دریافته‌اند، عدم رعایت برخی اصول، شانس ورود به بازار و حتی ادامه فعالیت را از آن‌ها سلب خواهد کرد، بنابراین نیاز به اخلاق تجارت از سوی بازرگانان مطرح شد. در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ توجه به این اصول، در محافل تجاری و دانشگاهی شدت یافت و منجر به ظهور رشته‌ای تحت عنوان اخلاق تجارت، در دانشگاه‌ها شد.

نیاز به رعایت اخلاق در تجارت، اولین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط پایه‌گذاران سازمان جهانی تجارت مطرح شد و در انتها به تدوین موافقت‌نامه‌ای تحت عنوان «رویه‌های تجاری غیر منصفانه» منجر شد. بر طبق این عهد‌نامه دامپینگ (ارزان‌فروشی مکارانه) محکوم و راهکارهایی برای مقابله با این معضل ارائه شد.

در انجمن‌های اقتصادی امروز ارتقای اخلاق و فرهنگ تجاری جزو اهداف اساسی شناخته شده و ضوابط و مقرراتی تحت عنوان اخلاق تجارت، مورد تدوین و انتشار قرار گرفته و بر رعایت آن تاکید شده است. در برخی موارد نیز قوانینی جهت حفظ حقوق مصرف‌کنندگان، سلامت افراد جامعه یا ممانعت از وارد شدن خدشه به اعتبار بین‌المللی کشور وضع شده که از اصول اخلاقی نشأت گرفته است. (پاول کامنیش، اخلاق کسب و کار، ۵۹)

رواج اخلاق تجارت، نتایج مثبتی از جمله توسعه پایدار از طریق کاهش مصرف منابع تجدیدناپذیر، مقررات بهداشتی، حفاظت محیط زیست، مشتری‌مداری، جلوگیری از تبلیغات فریبنده و نظیر آن را در پی داشت. اخلاق در اقتصاد و اخلاق در تجارت دو بحث مجزا هستند،

اخلاق در اقتصاد به کلان صنعت و تولید نگاه می‌کند، اخلاق در تجارت به بخش تجاری آن و روابط و اصول اخلاقی بین کارگر، کارفرما و مصرف‌کننده می‌پردازد.

اگر بخواهیم به سابقه بحث رابطه بین اخلاق و اقتصاد نگاهی بکنیم، از دیدگاه ارسطویی و اروپایی، اخلاق و اقتصاد در حوزه مبانی علم و سیاست مدن جای می‌گرفته و برای سال‌های طولانی در این حوزه معرفتی مطرح بوده است، اما در دوران مدرن، اشتقاق بین دو حوزه اخلاق و اقتصاد به وجود آمده است.

تفاوت مبانی " اخلاق " و " حقوق "

از دورترین زمانی که تاریخ مکتوب بشر گزارش کرده است تا بعد از جنگ جهانی دوم، دو نکته تقریباً مورد اجماع همه فیلسوفان اخلاق بوده است؛ یکی اینکه رکن اخلاق «عدالت» است - به تعبیر دیگر، اخلاقی زیستن به معنای عادلانه زیستن است - و دیگر آنکه عدالت نیز بدین معنا است که حق هر صاحب حقی رعایت شود؛ همه موجودات هستی، از جمله خود انسان، دیگر هم نوعان او، طبیعت پیرامون او و در صورت اعتقاد داشتن به خدا، خدا، حقوقی دارند که اگر انسان این حقوق را رعایت کند، عادلانه و اگر رعایت نکند، ظالمانه زیسته است. اما این اجماع تقریبی، استثناء‌هایی نیز داشت؛ معدود کسانی نیز وجود داشتند که عدالت را رکن اخلاق نمی‌دانستند. شاخص‌ترین چهره در میان ایشان بودا بود که «شفقت» را رکن اخلاق می‌دانست. در میان اروپائیان نیز جوزف باتلر مفهوم «حس اخلاقی» را به فلسفه اخلاق وارد کرد و آن را رکن اخلاق می‌دانست. جز او دیوید هیوم نیز مفهوم «نیک‌خواهی» را به عنوان رکن اخلاق معرفی کرد اما این دو نفر بر این دو مفهوم تأکید چندانی نداشتند. در نهایت شوپنهاور به تبع بودا، بار دیگر مفهوم «شفقت» را به عنوان رکن اخلاق مطرح کرد. پس از جنگ جهانی دوم و زمانی که گرایش‌های زنانه‌نگر در غرب پدیدار شد، فیلسوفانی که چنین گرایش‌هایی داشتند، به مفهومی شبیه «شفقت» توجه کردند و آن مفهوم، «غم‌خواری» (care) بود. ایشان معتقد بودند این مفهوم، رکن اخلاق است و نه عدالت. گرچه این فیلسوفان از موضع زنانه‌نگری از این عقیده دفاع کرده‌اند اما می‌توان از منظری دیگر نیز به دفاع از این نظریه پرداخت.

به نظر می‌رسد «عدالت»، مبانی علم حقوق است نه علم اخلاق و نمی‌توان اخلاق را به حقوق فروکاست. اخلاق و حقوق، دو مقوله جدا از هم هستند که هر یک کارکردهایی مخصوص به خود را دارند. گرچه ممکن است در این میان، یکی بر دیگری مبتنی باشد اما نمی‌توان هیچ‌یک را بر جای دیگری نشان داد. در واقع مبانی علم حقوق (Law)، عدالت و مبانی عدالت، حقوق (Rights) است. بر این اساس کسانی که از قدیم، اخلاق را مبتنی بر عدالت می‌دانسته‌اند، میان علم حقوق و اخلاق خلط کرده‌اند. در عوض باید به جای عدالت، غم‌خواری را مبانی اخلاق قلمداد کنیم. اگر غم‌خواری را مبانی اخلاق بدانیم، آنگاه غم‌خواری خود، سه فرزند به بار خواهد

آورد که نخستین آنها عدالت است؛ دومین و سومین فرزند نیز احسان و عشق هستند. با این وصف می‌توانیم ادعا کنیم علم حقوق، مبتنی بر اخلاق است، چرا که حقوق، مبتنی بر عدالت است و عدالت، یکی از فرزندان غم‌خواری است. (ملکیان، ۱۳۹۰)

تأمین نیازهای مادی باید به انگیزه رسیدن به سعادت الهی باشد و حلال بودن کسب، به معنای فراموش کردن آخرت نیست.

از دیگر نکات مهم دیگر در عرصه ی اخلاق تجاری آن است که مهم ترین اصول اخلاقی حاکم بر تجارت را صداقت، انصاف مسئولیت پذیری، حفظ اسرار تجاری و پایبندی به تعهدات تشکیل می‌دهد. پایبند بودن به موازین اخلاقی یک مزیت رقابتی بسیار مهم در عرصه تجارت بین‌المللی است. بررسی‌های آماری انستیتوی اخلاق حرفه‌ای بریتانیا نشان داده است که میانگین سود شرکت‌هایی که دارای رهنمودهای اخلاقی برای کارکنان خود بوده و معیارها و استانداردهای اخلاقی شناخته شده را در تجارت رعایت کرده‌اند. بالاتر از میانگین سود شرکت‌هایی بوده است که به این معیارها یا استانداردها پایبند نبوده‌اند. اگرچه کشورهای غربی به ویژه ایالات متحده خود را پایه گذار اخلاق تجاری می‌دانند اما بررسی‌های تاریخی نشان می‌دهد که اخلاق تجاری پیشینه‌ای به قدمت تاریخ تجارت دارد و در قانون حمورابی^۱ که حدود هفده قرن پیش از میلاد در بابل تدوین شده است مواد متعددی در رابطه با اخلاق تجاری و در یک نگرش کلی اخلاق حرفه‌ای وجود دارد و رهنمودهای اخلاقی ارزشمندی در آثار فلسفی ملل مشرق زمین یا ادبیات کلاسیک آنان در باب تجارت مشاهده می‌شود. (پیرنیا، ایران باستان، ۱۳۷۰)

قدر مسلم آن است که بنگاه‌های اقتصادی، دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشورهای غربی و همچنین تشکلهای بازاریابی آنان تلاشهای فراوانی در زمینه تدوین اصول و معیارهای اخلاقی مرتبط با تجارت و تهیه نظام نامه‌های اخلاقی، مشخص کردن رویه‌های تجاری نامطلوب و تحقیق پیرامون خلیقات و رویه‌های تجاری ملل مختلف انجام داده‌اند. همچنین رویه‌های تجاری نامطلوب یا غیرمنصفانه که در اخلاق تجاری به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرند به رفتارها یا اقداماتی گفته شد که در تجارت انجام دادن آنها خلاف اخلاق بوده و موجب بروز

۱ قانون حمورابی که به دستور حمورابی شاه بابل نوشته شد، شامل ۲۸۲ ماده در باب حقوق جزا و حقوق مدنی و حقوق تجارت است. ستونی که قوانین حمورابی بر روی آن حک گردیده از بازالت است و در حدود ۲۰۵ متر ارتفاع دارد. متن قوانین گرداگرد این ستون در ۳۴ ردیف به خط میخی نوشته شده است. قانون حمورابی نخستین سند شناخته شده‌ای است که در آن یک فرمانروا به اعلان عمومی یک مجموعه کامل قوانین برای ملت خود اقدام می‌کند

خسارت به طرف یا طرف های تجاری می شود.

از مهم ترین رویه های تجاری نامطلوب می توان به تبلیغات گمراه کننده، بازاریابی برای کالاهای زیان آور، عدم تطبیق کالای عرضه شده با نمونه مورد توافق، پوشیده نگه داشتن عیب ذاتی کالا از دید خریدار به طور آگاهانه، ارزان فروشی مکارانه (دامپینگ)، تبعیض در فروش کالا به مشتریان و عدم تحویل یا ارسال به موقع کالا را نام برد.

از نکات مهم دیگر آن است که موضوعاتی که در قلمروی اخلاق تجاری اهمیت پیدا می کند در هردوره ای می تواند متفاوت باشد. در هزاره سوم میلادی تشدید رقابت ناسالم در عرضه اقتصاد جهانی خسارات زیادی به برخی از بنگاه های اقتصادی وارد کرده است. ارزان فروشی مکارانه به رغم موافقت نامه های بین المللی ادامه حیات برخی از بنگاه های اقتصادی را تهدید می کند. جرایم اینترنتی به موازات گسترش حجم مبادلات بین المللی و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات روند فزاینده ای به خود گرفته است. سرقت دارایی های معنوی، فروش اطلاعات فایل های شخصی و رواج فعالیت نشانگر بی توجهی به معیارهای شناخته شده اخلاق تجاری یا حرفه ای در «هکرها» سطح بین المللی است یا تبدیل مواد غذایی اساسی به سوخت های بیولوژیکی بدون توجه به اثرات منفی آن در امنیت غذایی کشورهای در حال توسعه یا فقیر افزایش حجم گازهای گلخانه ای به گونه ای بی سابقه و برخلاف توافق های کنوانسیون کیوتو و تشدید روند انقراض گونه های نباتی و حیوانی که نسل آنها در معرض خطر است بیانگر نقض آشکار اخلاق تجاری یا حرفه ای است که توسعه پایدار را برای تأمین رفاه بشرو نسلهای آینده ضروری شناخته و به عنوان یکی از ارزشهای اخلاقی مورد تأکید قرار داده است.

و بالاخره آنکه تحریم اقتصادی کشورها به دلایلی که تشریح گردید با معیارها و ضوابط اخلاق تجاری مغایرت دارد زیرا مانع از آن می شود که بنگاه های اقتصادی به تعهدات خود در مورد تحویل کالا و تأمین خدمات بعد از فروش آنها عمل کنند. تحریم اقتصادی شرکت های تولیدی یا بازرگانی کشوری را که به تحریم مبادرت کرده است از فرصت های تجاری بی شماری در کشور مورد تحریم محروم می کند.

بر اساس آموزه های دینی طبیعت ظاهری تجارت چنان است که می تواند آدمی را به خود مشغول دارد و به هلاکت معنوی فرد بینجامد. درحقیقت، هدف از آفرینش جهان مادی و آنچه در آن است، فراهم آوردن زمینه حرکت بشر به سوی سعادت الهی است. بنابراین، انسان باید دنیا و مظاهر آن را وسیله ای برای رسیدن به هدف متعالی خود بداند، نه آنکه این امور برایش ارزش

استقلالی بیابد و هدف اصلی فراموش شود. به عبارت دیگر، انسان نباید این امور را هدف زندگی خویش قرار دهد و به آنها دل ببندد و آخرت را فراموش کند.

حضرت علی علیه السلام در بازار بصره متوجه مردی شد که در حال خرید و فروش بود. حضرت قدری در کار او نگاه کرد و سخت گریست. سپس فرمود: «ای بندگان دنیا و کارگزاران اهل دنیا، روز قسم می خورید و شب می خوابید و زمان می گذرد، در حالی که از آخرت غافلید. پس چه هنگام می خواهید توشه بگیرید و برای آخرت فکری کنید؟» فردی به حضرت عرضه داشت: ای امیرالمؤمنین، ما چاره ای از تهیه معاش نداریم، پس چه کنیم؟ امام فرمود: «طلب معاش از راه حلال، انسان را از تلاش برای آخرت غافل نمی کند. پس اگر بگویید ما ناگزیر از احتکار هستیم، معذور نخواهید بود.» حضرت در حالی که می گریست، از مرد جدا شد. (نهج البلاغه)

به دیگر سخن، تأمین نیازهای مادی باید به انگیزه رسیدن به سعادت الهی باشد و حلال بودن کسب، به معنای فراموش کردن آخرت نیست و چنانکه از دستورات دینی به دست می آید پاداش معنوی، حفظ نوع دوستی، پویایی اقتصاد و مبارزه با رباخواری، از پی آمدهای بکارگیری اصول اخلاقی در تجارت است. روایات اخلاقی فراوانی در زمینه تجارت وجود دارد که عمل به آنها، محل تجارت را به محیطی سالم و مطلوب برای کسب و تجارت تبدیل می سازد. مانند آنکه، آگاهی دقیق از اصول فقهی کسبی که فرد عهده دار آن است:

امام علی علیه السلام با اشاره به این مضمون می فرماید: «هر کس بدون آگاهی تجارت کند، به طور فزاینده ای در باتلاق ربا فرو می رود.» (نهج البلاغه)

از دیگر مهمات مطروحه در آداب تجارت، اقاله یا همان فسخ قرارداد در صورت پشیمانی خریدار است، از امام صادق علیه السلام در این باره نقل است: «هر کس تقاضای فسخ قرار داد را بپذیرد، خداوند سختی اش را در قیامت از او برطرف می کند.» (مجلسی، بحار الانوار)

البته لازم است پیش از عقد قرارداد، جنبه ها و ویژگی های امر به طور کامل سنجیده شود تا قرارداد به فسخ نینجامد.

آسان گرفتن در خرید و فروش که بر اساس روایات برکت و فزونی مال را در پی دارد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در حدیثی به تاجران این گونه مؤذنه می دهد: «خداوند بخشید کسی را که پیش از شما بوده و هنگام خرید و فروش، آسان گیر بود.» (همان)

از دیگر ویژگی های پسندیده اخلاقی تاجر شجاعت است: امیرالمؤمنین علیه السلام می

فرماید: «تاجر ترسو محروم می ماند و خداوند به تاجر شجاع روزی می دهد». (همان)

نتیجه گیری

مرور مطالب ذکر شده ما را به این نتیجه رهنمون می شود که : اخلاق تجاری شاخه ای از اخلاق کاربردی (عملی) است که اصول اخلاقی و معنوی یا مسائل اخلاقی ناشی از آن را در محیط تجاری یا فضای کسب و کار مورد بررسی قرار می دهد. همچنین با توجه به جهانی شدن اقتصاد، توسعه ارتباطات و در نتیجه آن گسترش بازارها، نیاز به رعایت نکات اخلاقی در تجارت بیش از هر زمان دیگر افزایش یافته است. ادیان و بویژه مکتب اسلام با قرائت اهل بیت ع تاکید بسزائی در ایجاد بستری اخلاقی به منظور بهتر زیستن و مسانخت با روحیه ی کمال گرای انسانی که از اهداف همه ی ادیان است بوده اند که در آموزه ها ، منش و تقریر بزرگان دینی بخوبی مشهود است . در واقع بر اساس آموزه های اسلامی راهبرد واقعی برای دورنبودن از دنیا و رهبانیت به معنای غلطش و در عین حال از مسیر کمال گراوی باز نماندن بهترین راهکار رو آوردن به تجارتی است که در آن اخلاق و بایسته های اخلاقی به دقت فراگیرگشته و محقق گردد.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اسلامی، محمدتقی و دیگران، (۱۳۸۶)، اخلاق کاربردی؛ چالش ها و کاوش های نوین در اخلاق عملی، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۴. اندور گاستافسون، حمایت از کل گرایی اخلاقی، پاسخی به رویکردهای دینی در اخلاق کسب و کار
۵. پایگاه اطلاع رسانی حدیث شیعه. www.hadith.net
۶. پیرنیا، حسن. (۱۳۷۰)، ایران باستان. جلد یک. تهران: دنیای کتاب، چاپ پنجم.
۷. رجائی، سیدکاظم و همکاران، (۱۳۸۲)، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۸. سالامون، آلبرت سی، (۱۳۸۶)، «اخلاق تجارت»، در کتاب اخلاق کاربردی، چالش ها و کاوش های نوین در اخلاق عملی، جمعی از نویسندگان، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۹. طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن، دار الکتب السلامیه، چ سوم.
۱۰. علمی محمد، (۱۳۷۸)، اخلاق در تجارت: رهنمودهای اخلاقی برای موفقیت در کسب و کار، سازمان توسعه تجارت ایران.
۱۱. غزالی، محمد بن محمد، (۱۳۵۱)، احیاء علوم الدین، ترجمه موید الدین محمد خوارزمی، به کوشش حسین خدیو جم، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۲. فیض کاشانی، ملا محمد محسن، (۱۳۸۳)، المحجۀ البیضاء فی تهذیب الاحیاء، تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، دفتر انتشارات اسلامی، قم، الطبعة الثانية.
۱۳. فیض کاشانی، ملا محمد محسن، (۱۴۰۱ق)، مفاتیح الشرایع، تحقیق: سید مهدی رجائی، مجمع الذخائر الاسلامیة، قم.
۱۴. مجلسی محمد باقر، (۱۳۹۸ق)، بحار الانوار الجامعة لدرر الاخبار الائمة الاطهار، دار احیاء التراث العربی، بیروت.
۱۵. مجله اندیشه پویا، شماره ۲۱، آبان ۱۳۹۳
۱۶. محلاتی محمد کاظم، (۱۳۹۰)، سخنان گاندى، تهران، نشر کاج.
۱۷. محمد ابن حسن، (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، بیروت، موسسه آل البيت لإحياء التراث.

18. Catherwood, Fred. The Protestant Work Ethics: Attitudes and Applications Give it Meaning, in Stackhouse, p.684
19. Charles F. Horne (1915)The Code of Hammurabi : Introduction Lillian Goldman Law Library, Yale Law School
20. Azmi, DR, Sabahuddin, An Islamic Approach to Business Ethics, Colledge of Islamic Banking, World Al-Lootah University, Dubai
21. Bird, Frederick (2007), The Globalization of Business Ethics Cambridge University Press, London.
22. Blowfield, Mike (1999), Ethical Trade: A Review of Development and Issues, Natural Resource Institute, U.K.
23. Bose, N.K., Selections from Gandhi, Navajivan publishing house,Ahmedabad ,India 1972
24. Gandhi, M. K. In Search Of the Supreme, Volume III, Navajivan Publishing House, Ahmedabad, reprint 2002.
25. International Chamber of Commerce, Commission on Marketing, Icc International Code of Environmental Advertising, June 2001.
26. Santa Clara University, Markkula Center for Applied Ethics, History of Business Ethics, 2007.
27. Simon, Nicholas (2007), Ethics, Royal Roads University, Faculty of Management – Business Commerce, Canada.
28. UN General Assembly, Global Code of Ethics for Tourism, Resolution Adopted On, dec 21, 2001.
29. Johnson, Roy B., Hospital Ethics Review Committees & Business Ethics, What Managers CAN Learn, International Journal of Management, Sep, 2004.
30. <http://www.oxfamamerica>, History of Fair Trade, July 31, 2008.